



شروع زودتر و برنامه ریزی صنعتی از دهه های قبل و تمرکز سیستماتیک روی بازار جهانی و خوشه های صنعتی مثل جیبیل و ینبع (مزیت مقیاس و زیرساخت)
مزیت نرم: دسترسی به سرمایه، فناوری، بیمه، لایسنس، شبکه فروش و قراردادهای بلندمدت.
جهت گیری راهبردی: افزایش سهم «نفت به مواد شیمیایی» و بالا بردن بازده مواد شیمیایی در مجتمع های یکپارچه.

■ ایران با وجود تحریم های بین المللی و چالش های نهادی و سرمایه گذاری چه راهبردها و سازوکارهایی را برای حفظ، توسعه و ارتقای ظرفیت های خود در صنعت پتروشیمی به کار گرفته است و این اقدامات تا چه اندازه توانسته اند جایگاه ایران را در زنجیره ارزش پتروشیمی منطقه ای و جهانی تثبیت کنند؟

ایران با تکیه بر خوراک گاز و هاب های بزرگ (عسلویه / ماهشهر)، در محصولات پایه گازمحور (متانول / اوره و بخشی از الفین ها) رشد کرده و تاب آوری عملیاتی تحت تحریم ساخته است.
اما دو گلوگاه ساختاری در آینده صنعت پتروشیمی ایران پررنگ است: تحریم که هزینه مبادله بالا، تخفیف قیمتی، محدودیت فناوری / کاتالیست، سختی تأمین مالی را به همراه دارد
ناترازی گاز خود مسأله بسیار مهمی است که قطع خوراک در زمستان، افت نرخ بهره برداری و بی ثباتی صادرات را در میان مدت باعث می شود.

■ ظرفیت ها و مزیت های منحصر به فرد ایران در بخش های مختلف زنجیره ارزش صنعت پتروشیمی از تأمین خوراک و تولید پایه ای تا صنایع پایین دستی، لجستیک و بازارهای صادراتی چیست؟
ایران دارای مزیت نسبی در محصولات گازمحور (متانول / اوره) و ظرفیت رشد پایین دست و امکان ارتقای سبد صادرات متانول، پلیمر و سایر مشتقات را نیز دارد، البته نیاز به اصلاح برخی از سیاست های صادراتی نیز وجود دارد.

اما در مورد عربستان (آرامکو / سابیک)، یکپارچگی کامل زنجیره ارزش + سرمایه و فناوری + پروژه های یکپارچه پالایش - پتروشیمی مزیت بسیار بزرگ و منحصر به فردی است و این مسأله باعث می شود که این کشور توان توسعه سریع پایین دستی و دسترسی بهتر به بازارهای با قیمت گذاری مطلوب را داشته باشد.

■ در مجموع و با در نظر گرفتن ظرفیت ها، مزیت های نسبی و محدودیت های ساختاری ایران و عربستان در صنعت پتروشیمی، الگوی غالب تعامل میان دو کشور را باید در قالب «رقابت ساختاری» تبیین کرد یا «همکاری مکمل و قابل نهادینه سازی»؟

من فکر می کنم در کوتاه مدت، رقابت در بازارهای ثالث غالب است (به خصوص پلیمرهای عمومی و محصولات پایه) ولی شاید در میان مدت پتانسیل همکاری های کم ریسک (ایمنی، استاندارد، لجستیک، پروژه در کشور ثالث) وجود داشته باشد که محتمل تر از مشارکت یا JV مستقیم اند.

من باید به این مسأله هم اشاره کنم که ناترازی گاز طبیعی به عنوان یک ریسک در بخش عرضه محصولات پتروشیمی یعنی ضربه مستقیم به ستون صادرات است. کشش صادرات متانول نسبت به خوراک گاز ۰.۹ تا ۱.۱ است، یعنی افت خوراک تقریباً و به طور مستقیم به افت صادرات تبدیل می شود. البته اوره و آمونیم هم بسیار حساس هستند، پس هر چقدر صادرات محصولات پتروشیمی گاز محورتر باشد، اقتصاد صادراتی محصولات پتروشیمی کشور شکننده تر می شود (خصوصاً زمستان).

در همین حال باید به مسأله تله کالایی یا Commodity Trap هم اشاره کنم که باعث می شود درآمد / تن کاهش یابد. سبد ایران سهم

بالایی از محصولات پایه دارد، این یعنی وابستگی درآمد به سیکل قیمت جهانی و رقابت شدید که به خصوص در شرایط تحریمی باعث می شود شکاف مزمین بین «حجم صادرات» و «درآمد ارزی واقعی» به وجود بیاید. محصولات پایه مثل متانول / اوره هستند که استاندارد و قابل جایگزینی اند و به همین دلیل خریدار راحت تر تخفیف می گیرد و هزینه بیمه / حمل / بانک و ریسک معامله بیشتر در قیمت نهایی منعکس می شود. پس این خطر وجود دارد که گازمحور بودن «کالای پایه» تحت تحریم، به معنی تشدید تخفیف و کاهش حاشیه سود کشور باشد که باید مد نظر قرار گیرد.

■ چه درس ها و الگوهای قابل استخراجی از مسیر توسعه و یکپارچه سازی شرکت آرامکو در صنعت پتروشیمی وجود دارد که می تواند با لحاظ تفاوت های نهادی، مالی و ژئوپلیتیکی برای ارتقای ظرفیت ها، حکمرانی صنعتی و راهبرد توسعه پتروشیمی ایران مورد بهره برداری قرار گیرد؟

یکپارچگی زنجیره ارزش: اتصال منسجم یعنی: خوراک → پالایش / کراکر → پلیمر / مواد میانی → بازار و نه پروژه های منفرد و پراکنده.
مدل بازارمحور: هر پروژه با «قرارداد فروش / بازار قطعی» (offtake) و مدل قیمت گذاری روشن جلو برود.
نهاد واحد برای توسعه خوشه ها: توسعه خوشه ای (industrial cluster) با واحدهای مشترک، اسکله تخصصی و مدیریت لجستیک یکپارچه ایجاد شود.
جهت گیری به سمت crude-to-chemicals / liquids-to-chemicals برای آینده تقاضا (سهم بیشتر محصولات شیمیایی از هر بشکه).
ثبات سیاست خوراک و مقررات صادرات: بزرگ ترین «مزیت نرم» آرامکو / SABIC همین پیش بینی پذیری است.

■ در مجموع بفرمایید در چهارچوب رقابت و همکاری ایران و عربستان چه الگوها و سناریوهایی محتمل است و چه عوامل نهادی، اقتصادی و سیاسی می توانند مسیر آتی این تعاملات را تعیین یا بازتعریف کنند؟

رقابت ایران و عربستان در پتروشیمی، به خصوص در بازارهای ثالث، در کوتاه مدت غالب است.
همکاری در کوتاه مدت فقط در مدل های کم ریسک (کشور ثالث، استاندارد / ایمنی / لجستیک) محتمل است؛ همکاری بزرگ مستقیم بدون تغییر جدی در محیط تحریم بعید است.
گازمحور بودن پتروشیمی ایران اگر به معنای قفل شدن روی متانول / اوره خام باشد، در بلندمدت زیان بار است چون هم به ناترازی گاز حساس است، هم زیر تحریم تخفیف و هزینه مبادله را تشدید می کند و هم در رقابت ارزش افزوده عقب می ماند.
مسیر بهینه: ارتقای سبد صادرات از C1 خام به پایین دست / پلیمر و مشتقات با الگوی یکپارچگی و بازارمحوری شبیه آرامکو، اما متناسب با محدودیت های تحریم و خوراک در ایران. ▀



ایران با تکیه بر خوراک گاز و هاب های بزرگ عسلویه و ماهشهر، در محصولات پایه گازمحور رشد کرده و تاب آوری عملیاتی تحت تحریم ساخته است، اما ۲ گلوگاه ساختاری در آینده صنعت پتروشیمی ایران پررنگ است: تحریم که هزینه مبادله بالا، تخفیف قیمتی، محدودیت فناوری / کاتالیست، سختی تأمین مالی را به همراه دارد و ناترازی گاز که خود مسأله بسیار مهمی است و قطع خوراک در زمستان، افت نرخ بهره برداری و بی ثباتی صادرات را در میان مدت باعث می شود